

مقاله پژوهشی

مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان

دوره ۲۲، بهمن ۱۴۰۲، ۱۱۴۸-۱۱۳۳

تدوین برنامه مداخله بهنگام مبتنی بر رویکرد شناختی-رفتاری ویژه کودکان طلاق با اختلالات عاطفی-رفتاری و اثربخشی آن بر سازگاری اجتماعی کودکان طلاق: یک مطالعه توصیفی

زهرا اصغرپور لشکامی^۱، مریم اساسه^۲، لیلا کاشانی وحید^۳، مجید ابراهیم پور^۴

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰ ارسال مقاله به نویسنده جهت اصلاح: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰ دریافت اصلاحیه از نویسنده: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴

چکیده

زمینه و هدف: طلاق والدین می‌تواند منجر به مشکلات رفتاری و روان‌شناختی فراوان در کودکان شود. هدف پژوهش حاضر، تدوین برنامه مداخله بهنگام مبتنی بر رویکرد شناختی-رفتاری ویژه کودکان طلاق با اختلالات عاطفی-رفتاری و تعیین اثربخشی آن بر سازگاری اجتماعی کودکان طلاق بود.

مواد و روش‌ها: روش پژوهش توصیفی حاضر، جامعه آماری در بخش کیفی مقالات و اساتید روان‌شناسی و بخش کمی شامل کلیه کودکان دختر خانواده طلاق شهرستان آستانه اشرفیه در سال ۱۴۰۱ بود. تعداد ۳۰ کودک طلاق به شیوه تصادفی انتخاب شدند و به صورت تصادفی در گروه آزمایش و کنترل (۱۵ نفر در هر گروه) قرار گرفتند. گروه آزمایش ۱۲ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای، هفته‌ای دو جلسه آموزش دیدند و گروه کنترل آموزشی دریافت نکردند. برای جمع‌آوری داده‌ها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون، از سیاهه رفتاری کودک Achenbach و پرسش‌نامه سازگاری اجتماعی Dokhanchi استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از روش تحلیل محتوای کیفی و در بخش کمی از آنالیز کوواریانس یک‌متغیره استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد میانگین و انحراف معیار نمرات سازگاری اجتماعی در گروه آزمایش از $98/33 \pm 1/90$ در مرحله پیش‌آزمون به $104/33 \pm 1/08$ در پس‌آزمون و در گروه کنترل از $98/07 \pm 1/67$ در پیش‌آزمون به $98/53 \pm 1/40$ در پس‌آزمون رسید ($P < 0/01$).

نتیجه‌گیری: بر اساس مطالعه حاضر، برنامه مداخله بهنگام مبتنی بر رویکرد شناختی-رفتاری ویژه کودکان طلاق با اختلالات عاطفی-رفتاری بر افزایش سازگاری اجتماعی کودکان طلاق مؤثر بود. از این رو، می‌توان از این برنامه به عنوان برنامه‌ای مؤثر برای ارتقاء سازگاری اجتماعی کودکان طلاق استفاده نمود.

واژه‌های کلیدی: طلاق، مداخله بهنگام، اختلالات روان‌شناختی، سازگاری اجتماعی

۱- دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- (نویسنده مسئول) استادیار، گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تلفن: ۰۲۱-۴۴۸۶۵۱۵۹-۴۴۸۶۵۱۶۶، پست الکترونیکی: Maryam.Asaseh@gmail.com

۳- استادیار، گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴- استادیار، گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائنات، قائنات، ایران

مقدمه

طلاق یکی از اساسی‌ترین وقایع تنش‌زا و مهم‌ترین شاخص آشفتگی در خانواده است [۱]. طلاق والدین می‌تواند زمینه‌ساز اختلالات روان‌شناختی و رفتاری در کودکان باشد [۲]. کودکان هر چقدر سنشان کمتر باشد از درک مفهوم طلاق ناتوان‌تر هستند و آسیب‌های روان‌شناختی بیشتری را خواهند دید [۳]. مطالعات پیشین نشان داده‌اند که افراد متأثر از طلاق والدین در معرض خطر بیشتری برای ابتلاء به انواع مشکلات سلامت روانی از جمله اختلالات عاطفی-رفتاری، عملکرد ضعیف در مدرسه، سوء مصرف مواد هستند [۴]. جدایی والدین فرآیندی است که اثرات کوتاه مدت و بلندمدتی را به وجود می‌آورد [۵]. این درحالی است که میزان طلاق در سال‌های اخیر به طور چشم‌گیری در ایران روبه افزایش است [۶]. آمار بالای طلاق منجر به نگرانی بسیاری از متخصصین شده چرا که طلاق خطر ناسازگاری هیجانی، رفتاری و اجتماعی را افزایش می‌دهد و سلامت جامعه را تهدید می‌کند [۷]. پژوهشی در هلند به بررسی ارتباط طلاق والدین و مشکلات رفتاری-عاطفی پرداخت، نتایج حاکی از این بود که در کودکان پس از طلاق والدین و جدایی آنان مشکلات رفتاری بیشتری مشاهده می‌شود [۸]. نتایج مطالعاتی که بر روی خانواده‌های طلاق انجام شده، بیان‌گر این است که کودکان خانواده‌های طلاق نسبت به همسالان خود از لحاظ عاطفی، اجتماعی و تحصیلی در سطح پایین‌تری قرار دارند [۹] و از لحاظ مشکلات عاطفی-رفتاری در سطح بالاتری قرار دارند [۱۰].

تغییر در ساختار خانواده با ایجاد فشار و استرس همراه است [۱۱] و از آنجایی که طلاق والدین تغییرات اساسی را در ساختار خانواده موجب می‌شود، سازگاری اجتماعی کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد [۱۲]. سازگاری اجتماعی را فرآیندی می‌دانند که فرد را قادر می‌سازد تا رفتار دیگران را درک و پیش‌بینی کند، رفتار خود را تنظیم و کنترل کند و تعاملات خود را با محیط و دیگران به شکل سازش یافته‌ای تنظیم کند [۱۳]. عوامل مختلفی می‌تواند سازگاری اجتماعی کودکان را تحت تأثیر قرار دهد که یکی از این عوامل طبق بررسی‌های انجام شده، طلاق والدین است [۱۴]. نتایج مطالعه‌ای مبنی بر این بود که کودکان طلاق در مقایسه با هم‌تایان عادی خود از سلامت روان و سازگاری اجتماعی پایین‌تری برخوردار هستند [۱۵] همچنین، نسبت بزه‌کاری و رفتارهای ضد اجتماعی در خانواده‌های متلاشی شده خیلی بیشتر از خانواده‌های سالم است [۱۶].

مرور مطالعات پژوهش‌گران در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که تأکید بر مشکلات عاطفی-رفتاری، روان‌شناختی و آسیب‌های اجتماعی و تأثیر این مشکلات بر زندگی، اجتماع و تحصیل کودکان خانواده‌های طلاق دارای اهمیت بسیار زیادی بوده است [۱۷-۱۸] و عدم مداخله بهنگام (Early intervention) و درمان اختلالات روان‌شناختی آنان، پیامدهای سنگینی را در بزرگسالی خواهد داشت [۱۹]. برخی از مطالعات نشان داده‌اند که عدم مداخله در مشکلات عاطفی-رفتاری و روان‌شناختی کودکان طلاق، در بزرگسالی ادامه‌دار خواهد بود و حتی دارای مشکلاتی با شریک زندگی

خود خواهند بود که این مشکلات بازتاب جدایی والدین در کودکی است [۲۰-۱۶].

مطالعات پیشین نشان داده‌اند که درمان‌های مبتنی بر رویکرد شناختی-رفتاری (Cognitive-behavior theory) بر روی مشکلات رفتاری کودکان مؤثر هستند [۲۱]. شواهد پژوهشی حاکی از اثربخشی درمان شناختی-رفتاری در کاهش ۵۰ درصدی مشکلات رفتاری کودکان در سوئد است [۲۲]. از طرفی، پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که مداخلات بهنگام تأثیر مثبتی بر روی سلامت روان و اختلالات روان‌شناختی دارند و موجب پیش‌گیری از مشکلات ثانویه در افراد می‌گردند [۲۳-۲۴]. مداخله بهنگام نوعی نظام حمایتی-آموزشی محسوب می‌شود که پس از شناسایی مشکلات رفتاری و روان‌شناختی، کودک و خانواده را مورد حمایت، توان‌بخشی و آموزش قرار می‌دهد [۲۵]. مداخله بهنگام می‌تواند موجب کاهش اثرات اولیه اختلالات گردد [۲۶] و با انجام اقدامات مناسب، قبل از بدتر شدن مشکلات سلامتی یا با جلوگیری از شروع آن‌ها، مسیرهای مراقبت بهداشتی مؤثرتری را ایجاد می‌کنند [۲۳].

از آنجایی که پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که آسیب‌های طلاق پیامدهای طولانی مدت می‌تواند داشته باشد و بر زندگی اجتماعی، شغلی و زناشویی افراد در آینده اثرگذار باشد، لذا بسیار قابل اهمیت است که با تشخیص و مداخله بهنگام درصدد درمان اختلالات و مشکلات حاصل از طلاق والدین بر روی فرزندان باشیم. پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که مداخلات بهنگام تأثیر مثبتی بر روی سلامت روان و اختلالات روان‌شناختی مانند افسردگی،

اضطراب و پرخاشگری دارند [۲۵-۲۳]. مداخله بهنگام باعث تعدیل و کاهش اثرات و پیامدهای اولیه اختلالات می‌گردد و به افراد کمک می‌شود تا قبل از جدی شدن اختلالات مورد درمان واقع گردد [۲۶]. با توجه به بررسی‌های انجام شده با وجود خطر ابتلاء به اختلالات عاطفی-رفتاری و پیامدهای آن در زندگی بزرگسالی، کودکان طلاق به نوعی مورد غفلت واقع شده‌اند. از آنجا که بر اساس بررسی‌های پژوهش‌گر تاکنون پژوهشی در داخل کشور به تدوین برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق نپرداخته است، لذا پژوهش حاضر با هدف تدوین برنامه مداخله بهنگام مبتنی بر رویکرد شناختی-رفتاری ویژه کودکان طلاق با اختلالات عاطفی-رفتاری و اثربخشی آن بر سازگاری اجتماعی کودکان طلاق انجام شد.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی بود، روش پژوهش در بخش کیفی روش تحلیل مضمون با رویکرد استقرایی و در بخش کمی نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون همراه با گروه کنترل بود. این مقاله برگرفته از رساله دکترای روان‌شناسی با شناسه اخلاق IR.IAU.SRB.REC.1400.277 از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران است. جامعه آماری در بخش کیفی مقالات و مطالعات در حوزه کودکان خانواده‌های طلاق در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ بود و همچنین جهت اعتباریابی برنامه مداخله بهنگام مبتنی بر رویکرد شناختی-رفتاری ویژه کودکان طلاق با اختلالات عاطفی-رفتاری از نظر اساتید و متخصصان حوزه روان‌شناسی کودکان استثنائی در سال ۱۴۰۱ استفاده گردید.

برنامه مداخله توسط پژوهش‌گران این مطالعه بر اساس پیشینه مطالعاتی موجود در حوزه کودکان خانواده‌های طلاق و نظر اساتید متخصص در حوزه روان‌شناسی کودکان استثنائی، برای ۱۲ جلسه آموزشی تدوین شد. جهت اعتباریابی برنامه تدوین شده از نظر اساتید و متخصصان روان‌شناسی کودکان استثنائی استفاده شد تا بر اساس دانش و تجارب خود به ترتیب اهمیت، مهم‌ترین مؤلفه‌ها را شناسایی کنند و سپس به اصلاح محتوای برنامه مداخله اقدام نمایند (خلاصه جلسات مداخله در جدول ۱ آمده است). روایی محتوایی برنامه مداخله با نظر ۸ متخصص و با استفاده از فرمول Lawashe نهایی گردید. میزان ضریب روایی محتوایی جلسات بر اساس نظرات اساتید و متخصصان حوزه روان‌شناسی کودکان استثنائی در دامنه ۰/۷۵ تا ۱ به دست آمد که نشان‌گر روایی قابل قبول برنامه مداخله با سطح اطمینان ۹۵ درصد بود [۲۷].

جامعه آماری در بخش کمی کلیه کودکان دختر خانواده‌های طلاق شهر آستانه اشرفیه در سال ۱۴۰۱ بود. با توجه به فرمول حجم نمونه در مطالعه‌ای مشابه، انحراف معیار ۱۵ (انحراف معیار نمره سازگاری اجتماعی گروه آزمایش)، اختلاف میانگین ۱۱ (اختلاف میانگین نمره پیش‌آزمون سازگاری اجتماعی گروه کنترل و آزمایش) خطای نوع اول $\alpha=0/05$ ، توان آزمون $0/80$ ، تعداد کل ۳۰ کودک به عنوان نمونه برای پژوهش حاضر در نظر گرفته شد [۲۷].

$$n_1 = n_2 = \frac{2\sigma^2(Z_{1-\alpha/2} + Z_{1-\beta})^2}{d^2}$$

بنابراین، تعداد ۳۰ کودک طلاق که واجد ملاک‌های ورود به پژوهش بودند به روش نمونه‌گیری تصادفی (قرعه‌کشی) انتخاب و به صورت تصادفی (قرعه‌کشی) در دو گروه ۱۵ نفره آزمایش و کنترل جای‌دهی شدند.

ملاک‌های ورود به پژوهش شامل: گذشت ۶ تا ۲۴ ماه از طلاق والدین، بازه سنی ۱۰ تا ۱۲ سال، مشغول به تحصیل در دوره دوم ابتدائی و همچنین عدم شرکت در جلسات درمان روان‌شناختی و مصرف داروهای روان‌پزشکی (مانند فلوکستین و سرتالین) به طور هم‌زمان بود. از ملاک‌های خروج نیز انصراف کودک از ادامه همکاری و غیبت بیش از ۲ جلسه پیاپی از جلسات مداخله بود.

برای اجرای پژوهش، با مراجعه به آموزش و پرورش شهر آستانه اشرفیه مجوزهای لازم برای ورود به مدارس دخترانه و انتخاب آزمودنی‌ها دریافت شد. پس از مراجعه به مدارس و هماهنگی‌های لازم با مدیریت، پرونده دانش‌آموزان بررسی شد و دانش‌آموزان خانواده طلاق از بین آن‌ها انتخاب شدند. جهت شناسایی کودکان طلاق دارای اختلالات عاطفی-رفتاری، چک لیست رفتاری کودک (Child behavior checklist) توسط والد کودک تکمیل گردید. این ابزار برای کودکان و نوجوانان ۶ تا ۱۸ سال توسط Achenbakh و همکارش (۲۰۰۱) تدوین شد و شامل ۱۱۳ سؤال اصلی و ۸ سؤال فرعی است که در یک مقیاس ۳ درجه‌ای (۰=نادرست، ۱=تاحدی درست، ۲=غالباً درست) نمره‌گذاری می‌شود. این چک لیست ۸ خرده مقیاس را اندازه‌گیری می‌کند که شامل اضطراب/افسردگی، گوشه‌گیری/افسردگی، شکایت جسمانی، مشکلات اجتماعی، مشکلات تفکر، مشکلات توجه، رفتار

قانون‌شکنی و رفتار پرخاشگرانه می‌شود. دامنه نمرات این مقیاس از ۰ تا ۲۲۴ است. گستره نمرات برای دامنه مرزی از ۶۰ تا ۶۳ و بالاتر از نمره ۶۳ برای دامنه بالینی در نظر گرفته شده است. Achenbakh و همکارش (۲۰۰۱) ضریب پایایی این پرسش‌نامه را ۰/۷۴ محاسبه کرده است [۲۸]. در ایران Minaee در مطالعه‌ای در سال ۱۳۸۵ با اجرای این چک لیست بر روی ۱۴۳۷ دانش‌آموز دختر و پسر، آن را هنجاریابی کرد. نتایج به‌دست آمده از بررسی روایی محتوایی ۰/۷۳ گزارش شد [۲۹]. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ چک لیست ۰/۷۱ به‌دست آمد.

پس از بررسی و ارزیابی چک لیست رفتاری Achenbakh و همکارش (۲۰۰۱)، دانش‌آموزانی که نمره بالاتر از ۶۳ دریافت کردند و تشخیص اختلالات عاطفی-رفتاری گرفتند، شناسایی شدند. سپس از بین آن‌ها ۳۰ کودک به صورت تصادف (قرعه‌کشی) انتخاب شدند و بار دیگر به صورت تصادف (قرعه‌کشی) به گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. پس از آن پرسش‌نامه سازگاری اجتماعی Dokhanchi (Dokhanchi's social adaptability scale) به عنوان پیش‌آزمون برای هر دو گروه اجرا شد. این پرسش‌نامه برای ارزیابی سازگاری اجتماعی توسط Dokhanchi در سال ۱۳۷۷ تدوین شد که دارای ۳۷ سؤال با طیف چهارگزینه‌ای (هیچ‌وقت=۰، به‌ندرت=۱، گاهی اوقات=۲، بیشتر اوقات=۳) است. این پرسش‌نامه توسط والد یا سرپرست کودک و یا یکی از معلمان که با وضعیت رفتاری دانش‌آموز هماهنگی بیشتری دارد، پاسخ داده می‌شود. این پرسش‌نامه سطح سازگاری کودکان را در ۵ سطح خیلی پایین با نمره کمتر از

۵۲، پایین با نمره ۵۲ تا ۶۵، متوسط با نمره ۶۶ تا ۷۷، بالا با نمره ۷۸ تا ۹۰ و خیلی بالا با نمره بالای ۹۰ ارزیابی می‌کند. نمره ابزار با مجموع نمره گویه‌ها محاسبه و حداقل نمره آن ۰ و حداکثر ۱۱۱ است. نمره بالاتر نشان دهنده سازگاری بیشتر در کودکان است [۳۰]. در پژوهشی پایایی پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۷ گزارش شد [۳۰]. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه ۰/۷۸ به‌دست آمد.

پس از اجرای پیش‌آزمون بر روی هر دو گروه، برنامه مداخله که توسط پژوهش‌گران این پژوهش تدوین شد به مدت ۱۲ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای، هفته‌ای دو جلسه توسط دانشجوی دکترای روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنائی با نظارت استاد راهنمای پژوهش بر روی گروه آزمایش اجرا شد، اما گروه کنترل مداخله‌ای دریافت نکرد. اجرای پژوهش با هماهنگی‌های انجام شده با سرپرست دانش‌آموزان و مدیریت یکی از مدارس در زمان عصر در یکی از کلاس‌های مدرسه اجرا شد. قبل از شروع جلسات ملاحظات اخلاقی از جمله اهداف پژوهش، رازداری، حفظ حریم افراد و آگاه کردن شرکت‌کنندگان از حق خود برای انصراف از شرکت در پژوهش توضیح داده شد. پس از پایان جلسات آموزش، پس-آزمون بر روی هر دو گروه اجرا شد. اطلاعات جمعیت شناختی آزمودنی‌ها نیز بر اساس بازه سنی (۱۰ تا ۱۲ سال)، پایه تحصیلی (کلاس ۴ تا ۶) و مدت زمان طلاق والدین (گذشت ۶ ماه تا ۲۴ ماه) ثبت گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ و با رعایت پیش‌فرض‌های آزمون انجام

گرفت. داده‌های جمع‌آوری شده در سطح آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و آمار استنباطی شامل آزمون t دو نمونه مستقل، و آزمون مجذور کای و تحلیل کوواریانس یک متغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون ناپارامتریک Kolmogorov-Smirnov و برای بررسی مفروضه همگنی واریانس گروه‌ها از آزمون Levene استفاده شد. هم‌چنین، از آزمون ام‌پاکس (Box's M) جهت بررسی همگنی ماتریس کوواریانس گروه‌ها استفاده شد. سطح معناداری در آزمون‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

جدول ۱- برنامه مداخله بهنگام مبتنی بر رویکرد شناختی-رفتاری ویژه کودکان طلاق با اختلالات عاطفی رفتاری [۲۷]

جلسه	هدف جلسه	محتوای جلسه
اول	معارفه و شناخت اولیه اعضا گروه	برقراری ارتباط با اعضا گروه، مشخص کردن قوانین و چارچوب برای جلسات
دوم	صحبت درباره مفهوم خانواده و انواع آن	ویژگی‌های هر نوع از خانواده‌ها، صحبت درباره چالش‌ها و تجارب در خانواده طلاق
سوم	آموزش احساسات عام	شناخت احساس غم، شادی، ترس و خشم، شناخت علائم بدنی، گفتگو در مورد سود و زیان آن‌ها، گفتگو درباره احساس، افکار و رفتار
چهارم	آموزش احساسات خاص	شناسایی احساس ترس، اضطراب و خشم در موقعیت‌های مختلف، آگاهی از منشاء و منبع احساس، گفتگو درباره راه کارهای مناسب برای کنترل آن‌ها و گفتگو درباره ارتباط احساس، افکار، رفتار
پنجم	آموزش مهارت حل مسئله	شناسایی یک مسئله، بارش فکری برای حل آن مسئله، صحبت درباره سود و زیان راه حل‌ها و انتخاب بهترین راه حل برای مسئله
ششم	گفتگو درباره افکار	صحبت درباره افکار، شناخت افکار مثبت و منفی، ارزیابی یک موقعیت و افکار مختلف
هفتم	شناسایی خطاهای شناختی	بحث و گفتگو در مورد افکار غیرمنطقی و افکار خودآیند منفی، به چالش کشیدن افکار
هشتم	بازسازی افکار	اصلاح افکار منفی و باورهای زیربنایی ناکارآمد و جایگزینی افکار مثبت به جای افکار منفی
نهم	آموزش مهارت ارتباط مؤثر	آموزش حرف زدن صریح و گوش دادن فعال، انتخاب سبک‌های ارتباطی، مهارت چگونگی برخورد با تعارض و روش‌های حل تعارض
دهم	آموزش مدیریت خشم	روش‌های نظارت بر خود، شناسایی موقعیت‌های خشم برانگیز، شناسایی افکار در آن موقعیت، جایگزینی افکار خشم برانگیز با افکار منطقی و مثبت
یازدهم	آموزش ذهن آگاهی	آموزش تنفس آگاهانه، آموزش ذهن آگاهی نسبت به حواس پنج‌گانه، آموزش ذهن آگاهی نسبت به افکار، آموزش تن آرامی
دوازدهم	مرور کلی جلسات و جشن پایان برگزاری دوره	مرور مهارت‌های آموزش دیده، دریافت بازخورد
اطلاعات دموگرافیک گروه‌های مورد مطالعه شامل سن، پایه تحصیلی و مدت زمان طلاق والدین در جدول ۲ ارائه شده است. به منظور مقایسه دو گروه از نظر ویژگی‌های جمعیت شناختی در متغیرهای سن و مدت زمان طلاق والدین از آزمون t دو نمونه مستقل و در متغیر پایه تحصیلی	از آزمون مجذور کای استفاده شد که نتایج آن‌ها نشان داد تفاوت آماری معناداری بین دو گروه مورد مطالعه از نظر سن، مدت زمان طلاق والدین و پایه تحصیلی وجود ندارد ($P>0/05$).	

($P < 0/001$)، به طوری که برنامه مداخله تدوین شده توانسته است باعث افزایش معنادار میانگین نمرات سازگاری اجتماعی در کودکان طلاق شود. مجذور اتا (Eta) نیز نشان می‌دهد که برنامه مداخله بهنگام ۶۱ درصد از تغییرات نمره سازگاری اجتماعی را تبیین می‌کند. به عبارت دیگر، ۶۱ درصد از تفاوت مشاهده در میانگین نمره سازگاری اجتماعی در دو گروه مورد بررسی، ناشی از تأثیر برنامه مداخله بهنگام

جدول ۴- نتایج تحلیل کوواریانس یک متغیره تأثیر برنامه مداخله بهنگام بر سازگاری اجتماعی کودکان طلاق شهرستان آستانه اشرفیه در سال ۱۴۰۱

متغیر	منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	مقدار P	مجذور اتا	توان آماری
نمره	پیش‌آزمون	۵۹۱/۹۸۱	۱	۵۹۱/۹۸۱	۱۵۲/۶۸۰	$< 0/001$	۰/۸۵۰	۰/۹۹۹
سازگاری	گروه	۱۶۳/۴۱۹	۱	۱۶۳/۴۱۹	۴۲/۱۴۸	$< 0/001$	۰/۶۱۰	۰/۹۹۲
اجتماعی	خطا	۱۰۴/۶۸۶	۲۷	۳/۸۷۷				
	کل	۱۱۶۷۷۸/۰۰۰						

بحث

پژوهش حاضر با هدف تدوین برنامه مداخله بهنگام مبتنی بر رویکرد شناختی-رفتاری ویژه کودکان طلاق با اختلالات عاطفی-رفتاری و تعیین اثربخشی آن بر سازگاری اجتماعی کودکان طلاق انجام شد. یافته‌ها نشان داد که بین میانگین نمرات سازگاری اجتماعی در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل در مرحله پس‌آزمون افزایش معناداری وجود دارد. به عبارتی، آموزش برنامه مداخله بهنگام ویژه کودکان طلاق با اختلالات عاطفی-رفتاری مبتنی بر رویکرد شناختی-رفتاری موجب افزایش سازگاری اجتماعی در کودکان طلاق گردید. این یافته تا حدودی با نتایج پژوهش‌های پیشین که نشان دادند درمان‌های مبتنی بر رویکرد

شناختی-رفتاری موجب کاهش مشکلات رفتاری کودکان می‌گردد [۲۱-۲۲] همسو بود. نتایج پژوهش Hosseini Yazdi و همکاران نیز حاکی از این بود که برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق بر مشکلات برون‌سازی شده کودکان طلاق تأثیر معنادار دارد و موجب کاهش مشکلاتی همچون پرخاشگری و ناسازگاری در آن‌ها می‌گردد [۳۴].

در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد بسیاری از مشکلات رفتاری کودکان حاصل تعاملات نادرست والدین و مشکلات ناشی از خانواده است. عملکرد خانواده می‌تواند بر احساسات، هیجانات، شناخت و سازگاری کودک نقش مؤثری داشته باشد [۳۴]. تجربیات دوران کودکی در محیط خانواده از اساسی‌ترین عوامل اجتماعی شدن در زندگی افراد محسوب

می‌شود، ارتباط سالم بین والدین و فرزندان باعث ایجاد محیطی سالم برای رشد و عاملی اثرگذار بر شخصیت و سازگاری کودکان محسوب [۳۵]. کودکان خانواده‌های طلاق طی فرآیند جدایی والدین با بحران‌های عاطفی و اجتماعی پس از آن مواجه می‌شوند. کودکان معمولاً امنیت عاطفی خود را از دست می‌دهند و مورد بی‌توجهی واقع می‌شوند. این کودکان به علت جدایی والدین و قضاوت‌های دیگران احساس شرم، سرافکندگی و خشم در مقابل دیگران و همسالان خود دارند و از این رو آن‌ها مستعد مشکلات رفتاری همچون ناسازگاری اجتماعی هستند [۳۶].

نتایج مطالعات پیشین حاکی از این است که افرادی که در خانواده‌های پرتنش رشد کرده‌اند مستعد مشکلاتی همچون اضطراب، بزه‌کاری، پرخاشگری و ناسازگاری هستند [۳۷]. از نظر دیدگاه شناختی نیز این‌گونه می‌توان بیان کرد که این کودکان در پردازش و ادراک رویدادها دچار خطاهای شناختی، سوء برداشت و افکار معیوب هستند که منجر به رفتارهای ناسازگارانه در آن‌ها می‌گردد [۳۸]. از این رو، جهت افزایش سازگاری اجتماعی و کمک به خودتنظیمی رفتاری نیاز به استفاده از فنون و مهارت‌های شناختی-رفتاری جهت تغییر باورها، نگرش‌ها و سوء برداشت‌ها در برخورد با مسائل و چالش‌ها دارند.

مهارت‌های مختلفی برای رسیدن به سازگاری مؤثر هستند. شناخت احساسات، آگاه بودن از احساس خشم و توجه به علائم بدنی به کودک کمک می‌کند تا در مدیریت

احساس خود و تصمیم‌گیری منطقی‌تر گامی مؤثر بردارد و نتیجه پیامد رفتاری خود را در نظر بگیرد و آگاهانه‌تر رفتار کند [۳۹]. حل مسئله یکی از مهارت‌ها و تکنیک‌های شناختی است که در دستیابی به سازگاری نقش به‌سزایی می‌تواند داشته باشد. در مهارت حل مسئله با پرداختن به مسأله و در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف مسأله، انواع راه کارهای موجود، سود و زیان کردن راه کارهای ارائه شده و در نهایت با انتخاب راه‌کاری با بیشترین سود و کمترین ضرر، می‌توان به تغییر و اصلاح رفتار ناکارآمد در کودکان پرداخت تا رفتارهای سازگارانه در آن‌ها تقویت گردد [۴۰].

نتایج پژوهش Mahdavi و همکاران نیز حاکی از این بود که آموزش مهارت حل مسئله با رویکرد شناختی-رفتاری منجر به افزایش سازگاری اجتماعی کودکان طلاق می‌گردد [۱۶]. همچنین، آموزش مهارت کنترل خشم به کودکان طلاق کمک می‌کند تا توانمندی‌های روانی و اجتماعی آنان ارتقاء یابد و در برابر فشارها و تنش‌های فردی و اجتماعی از تکنیک‌هایی جهت مدیریت خشم استفاده کنند و بر افکار، احساسات و رفتارهای خود تسلط داشته باشند و رفتار سازگارانه را جایگزین رفتارهای ناکارآمد کنند.

ذهن آگاهی از دیگر تکنیک‌هایی که در این پروتکل استفاده شد، به کودک کمک می‌کند تا با آگاهانه رفتار کردن در لحظه و استفاده از تن‌آرامی، احساسات ناکارآمد خود را مدیریت کند و از پیامدهای نامطلوب دوری جوید. به طور کلی در مداخلات مبتنی بر رویکرد شناختی-رفتاری

نتیجه‌گیری

به طور کلی نتایج مطالعه حاضر نشان داد برنامه مداخله بهنگام مبتنی بر رویکرد شناختی-رفتاری ویژه کودکان طلاق با اختلالات عاطفی-رفتاری به طور معنی‌داری باعث افزایش سازگاری اجتماعی کودکان طلاق می‌شود. از این رو، این برنامه می‌تواند جهت مداخله زودهنگام و پیش‌گیری از اختلالات عاطفی-رفتاری جدی‌تر در کودکان خانواده‌های طلاق مؤثر و مفید واقع شود. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد تا مشاوران بهزیستی، مددکاران اجتماعی و روان‌شناسان حوزه کودک جهت مداخله بهنگام و کاهش مشکلات رفتاری در کودکان خانواده‌های طلاق از این برنامه آموزشی بهره ببرند.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنائی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران می‌باشد. بدین‌وسیله از تمامی دانش‌آموزانی که جهت تکمیل پرسش‌نامه‌ها و اجرای پژوهش با پژوهش‌گران همکاری نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

راهنمایی برای رشد انطباقی بر افکار و رفتارها و اصلاح شناخت‌های معیوب ایجاد می‌گردد، راه‌بردهای جدیدی برای مقابله با موقعیت‌ها و احساس‌ها آموزش داده می‌شود و کودک یاد می‌گیرد شیوه‌های ناسازگارانه مقابله را با راه‌های سازگارانه‌تر جایگزین کند [۴۱]، از این رو، زمینه ارتقاء سازگاری اجتماعی فراهم می‌گردد. در این پروتکل نیز خطاهای شناختی و افکار منفی خودآیند که موجب افزایش سطح ناسازگاری در کودکان طلاق می‌گردد شناسایی و با آموزش مهارت حل مسئله، اصلاح راهبردهای شناختی و رفتاری، جایگزین کردن افکار مثبت به جای افکار خودآیند منفی موجب افزایش سطح سازگاری اجتماعی کودک گردید. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به محدود بودن نمونه‌های پژوهش به کودکان دختر ۱۰ تا ۱۲ سال اشاره کرد که تعمیم نتایج را به سایر گروه‌های سنی و گروه پسران با احتیاط مواجه می‌نماید. همچنین، این پژوهش دوره پی‌گیری نداشت. با توجه به این‌که استفاده از مرحله پی‌گیری می‌تواند به ارزیابی بهتر نتایج درمانی می‌انجامد، لذا پیشنهاد می‌شود در مطالعات مشابه مرحله پیگیری انجام گردد.

References

- [1] O'Hara KL, Sandler LN, Wolchik SA, Tein JY. Parenting time, parenting quality, interparental conflict, and mental health problems of children in high-conflict divorce. *J FAM Psychol* 2019; 34(1): 23-33.
- [2] Rosenbaum-Feldbrügge M. The impact of parental death in childhood on sons' and daughters' status attainment in young adulthood in the Netherlands, 1850–1952. *Demography* 2019; 56: 1827-54.
- [3] Xerxna Y, Rescorla LA, Serdarevic F, Ijzendor M, Jaddoe VW. The complex role of parental separation in the association between family conflict and child problem behavior. *J Clin Child Adolesc Psychol* 2020; 49(1): 79-93.
- [4] Elam KK, Sandler I, Wolchik SA, Tein J. Latent profile of postdivorce parenting time conflict, and quality: children's adjustment associations. *Journal of Family Psychology* 2019; 33(5): 499-510.
- [5] Mazaheri Z, Mirsifi Fard LS, Mohamad Ali Vatankhah V, Darbani SA. Effectiveness of compassion-focused therapy (CFT) on self-esteem and resilience in children and adolescents with divorced parents. *J Child Ment Health* 2020; 7(2): 80-93. [Farsi]
- [6] Gharadaghi M, Amani A. Effectiveness of positive (TRIPLEP) parenting skill training on mother-child relationship quality, parenting self-efficacy and affective control among divorced mothers with children. *Journal of Family Research* 2022; 18(3): 423-43. [Farsi]
- [7] Maforah NF, Molate M, Matlakala FK, Mohlatlole NE. Psychosocial effects of divorce on young women who grew up in divorced families at Rustenburg, Moruleng village. *Technium Social Sciences Journal* 2021; 23: 689.
- [8] Theunissen MHC, Klein Velderman M, Cloostermans APG, Reijneveld SA. Emotional and behavioural problems in young children with divorced parents. *European Journal of Public Health* 2017; 27: 840-5.
- [9] Yulaf Y, Semerci ZB. Comparison of psychiatric disorders between children with a history of parental divorce and parental death. *Psychiatry and Behavioral Sciences* 2018; 8(4): 171-7.

- [10] Lahdepuro A, Savolainen K, Lahti-Pulkinen M, Eriksson JG, Lahti J. The Impact of early life stress on anxiety symptom in late adulthood. *Sci Rep* 2019; 13(9): 4395-405.
- [11] Martinez-Pampliega A, Herrero M, Cormenza S, Corral S, Sanz M, Merino L, et al. Custody and child symptomatology in high conflict divorce: an analysis of latent profiles. *Psicothema* 2021; 33(1): 95-102.
- [12] Schaan L, Scholz A, Nuraydin S, Bergert C, Hilger A, Rach H, et al. Introceptive accuracy, emotion recognition, and emotion regulation in preschool children. *Int J Psychophysiol* 2019; 138: 47-56.
- [13] Grunebaum MF, Galfalvy HC, Mortenson LY, Burke A, Oquendo MA, Mann J. Attachment and social adjustment: relationship to suicide attempt and major depressive episode in a prospective study. *J Affect Disord* 2010; 123(1): 123-30.
- [14] Salamat MK, Hejazi M, Morovati Z, Isadpanah S. Predicting children's behavioral problems based on maternal parenting styles: The mediating role of child adjustment. *J child Mental Health* 2019; 6(3): 269-80. [Farsi]
- [15] Moradi S, Akhane E. Comparison of psychological disorders among the children of divorce and their normal peers. *Rooyesh* 2020; 8(11): 111-8. [Farsi]
- [16] Mahdavi A, Golestani A, Aghaie M, Hemati Rad G, Haj hosseini M, Gholamali Lavasani M, et al. The effectiveness of problem-solving skills training on increasing social adjustment and regulatory self-strategies in children of divorce. *Journal of Educational Psychology Studies* 2019; 16(33): 157-70. [Farsi]
- [17] Ghorbani Vanajemi M, Ejei J, gholamali-lavasani M. Effectiveness of attributional retraining on mental health of male middle school students with divorced parents. *Knowledge & Research in Applied Psychology* 2019; 20(1): 26-34. [Farsi]
- [18] Smith-Greenaway E, Clark S. Variation in the link between parental divorce and children's health disadvantage in low and high divorce setting. *SSM-Population Health* 2017; 3: 473-86.

- [19] Membride H. Mental health: early intervention and prevention in children and young people. *Br J Nurs* 2016; 25(10): 552-7.
- [20] Fergusson DM, McLeod GFH, Horwood J. Childhood sexual abuse and adult developmental outcomes: findings from a 30-year longitudinal study in New Zealand. *Child Abuse Negl* 2013; 37(9): 664-74.
- [21] Vacher C, Romo L, Dereure M, Soler M, Picot MC, Purper-Quakil D. Efficacy of cognitive behavioral therapy on aggressive behavior in children with attention deficit hyperactivity disorder and emotion dysregulation: study protocol of a randomized controlled trial. *Trials* 2022; 7(23): 124-34.
- [22] Wergeland G, Riise EN, Ost L. Cognitive behavior therapy for internalizing disorders in children and adolescents in routine clinical care: A systematic review and meta-analysis. *Clin Psychol Rev* 2021; 83: 1-10.
- [23] Colizzi M, Lasalvia A, Ruggeri M. Prevention and early intervention in youth mental health: is it time for a multidisciplinary and tras-diagnostic model for care? *International Journal of Mental Health Systems* 2020; 23: 1-10.
- [24] Lorfino F, Scott EM, Carpenter JS, Cross S, Hermens DF. Clinical stage transitions in person aged 12 to 25years presenting to early intervention mental health services with anxiety, mood and psychotic disorders. *Original Investigation* 2019; 76(11): 1167-75.
- [25] Moeller MP, Carr G, Seaver L, Stredler-Brown A, Holzinger D. Best practices in family centered early intervention for children who are deaf or hard of hearing: An international consensus statement. *J Deaf Stud Deaf Educ* 2013; 18(4): 429-45.
- [26] Davey ChG, McGorry PD. Early intervention for depression in young people: a blind spot in mental health care. *Psychiatry* 2019; 6(3): 267-72.
- [27] Yousefi S. Development of sensory-motor and spatial perception rehabilitation program based on parent-child interaction and its effectiveness on fear of movement and independent activities in children with visual impairment. Dissertation for obtaining PhD degree in the field of psychology and education

of exceptional children. Tehran, Allameh Tabatabai University, 2022: 43. [Farsi]

[2^] Achenbach TM, Rescorla LA. Manual for the ASEBA school-age forms & profiles. Burlington: University of Vermont Research Center for Children. *Youth & Families* 2001.

[29] Minaee A. Adaptation and standardization of child behavior checklist, youth self-report, and teacher's report forms. *JOEC* 2006; 6(1): 529-58. [Farsi]

[30] Dokhanchi, H. Children's social adaptability scale. 1998. [Farsi]. Retrieved from Doi: <http://www.ravancav.ir>

[31] Kiarasi Z, Kiarasi S, Kiarasi A. The effect of story animation on social development and adjustment on educable mentally retarded students. *Information and Communication Technology in Educational Sciences* 2016; 6(24): 91-110. [Farsi]

[32] Ghamari Givi H, Khoshnoodniay Chomachaei B. Comparison of social skills, mental health and academic performance in children with divorced, divorcing and intact parents. *Journal of Family Research* 2016; 12(1): 69-92. [Farsi]

[33] Motamedi F, Beh-Pajoooh A, Shokoohi Yekta M, Afrooz GhA, Ghobari-Bonab B. Effect of training emotional intelligence on components of social adjustment of female adolescents with emotional with single parents. *Knowledge & Research in Applied Psychology* 2021; 22(1): 79-92. [Farsi]

[34] Hosseini Yazdi SA, Mashhadi A, Kimiaee SA, Asemi Z. Effectiveness of children of divorce intervention program on externalized and internalized problems in children of divorce. *Family Psychology* 2015; 2(1): 3-14. [Farsi]

[35] Tang CSk, Koh YYW. Online social networking addiction among college students in Singapore: Co morbidity with behavioral addiction and affective disorder. *Asian Journal of Psychiatry* 2017; 25: 175-8.

[36] Sheikh Ahmadi J, Zandi F, Akbari M, Yarahmadi Y. Structural model based on self-developed social adjustment and academic performance, family mediation metacognitive strategies. *Educational Psychology* 2020; 16(56): 281-5. [Farsi]

- [37] Zineldin M. TCS is blame: The impact of divorce on physical and mental health. *Int J Prev Med* 2019; 12(10): 141-51.
- [38] Lavell CH, Farrel LJ, Cadman J. Predictors of treatment response to group cognitive behavioral therapy for pediatric obsessive-compulsive disorder. *Psychiatry Research* 2016; 245: 186-93.
- [39] Stallard P. Evidence-based practice in cognitive-behavioral therapy. *Arch Dis Child* 2022; 107(2): 109-13.
- [40] Matthys W, Schutter D. Improving our understanding of impaired social problem-solving in children and adolescents with conduct problems: implications for cognitive behavioral therapy. *Clin Child Fam Psychol Rev* 2022; 25(3): 552-72.
- [41] Theunissen MHC, Velderman MK, Cloostermans APG, Reijneveld SA. Emotional and behavioral problems in young children with divorced parents. *Eur J Public Health* 2017; 27(5): 840-5.

Developing Early Intervention Program Based on Cognitive-Behavioral Theory in Children of Divorce with Emotional-Behavioral Disorders and Its Effectiveness on Social Adjustment of Children of Divorce: A Descriptive Study

Zahra Asgharpour Lashkami¹, Maryam Asaseh², Leila Kashani Vahid³, Majid Ebrahimpour⁴

Received: 10/06/23

Sent for Revision: 02/10/23

Received Revised Manuscript: 31/01/24

Accepted: 03/02/24

Background and Objectives: Divorce can lead to many behavioral and psychological problems in children. The aim of the current study was to develop early intervention program based on cognitive-behavioral theory in children of divorce with emotional-behavioral disorders and determine its effectiveness in social adjustment of children of divorce.

Materials and Methods: In the current descriptive study, the statistical population included all articles and the professors of psychology, in the qualitative part, and all the girls of divorced families of Astaneh-Ashrafiyeh City, in the quantitative part, in 2022. Moreover, 30 children of divorce were selected by random sampling and randomly assigned into experimental and control groups (15 people in each group). The experimental group was trained in 12 90-minute sessions, twice a week, and the control group did not receive any training. Data was collected in pre-test and post-test using Achenbach's Child Behavioral Checklist (2001) and Dokhanchi's Social Adjustment Questionnaire (1998). The data were analyzed by thematic analysis and univariate analysis of covariance in the qualitative and quantitative parts, respectively.

Results: The findings demonstrated that the mean and standard deviation of social adjustment scores in the experimental group increased from 98.33 ± 1.90 in the pre-test to 104.33 ± 1.08 in the post-test, and in the control group from 98.07 ± 1.67 in the pre-test to 98.53 ± 1.40 in the post-test ($p < 0.001$).

Conclusion: Based on the results of the present study, the early intervention program based on cognitive-behavioral theory of children of divorce with emotional-behavioral disorders was effective on the increase of social adjustment of these children. Therefore, this program can be implemented as an effective program to improve the social adjustment of children of divorce.

Key words: Divorce, Early intervention, Psychological disorders, Social adjustment

Funding: This study did not any funds.

Conflict of interest: None declared.

Ethical approval: The Ethics Committee of Science and Research University of Tehran approved the study (IR.IAU.SRB.REC.1400.277).

How to cite this article: Asgharpour Lashkami Zahra, Asaseh Maryam, Kashani Vahid Leila, Ebrahimpour Majid. Developing Early Intervention Program Based on Cognitive-Behavioral Theory in Children of Divorce with Emotional-Behavioral Disorders and Its Effectiveness on Social Adjustment of Children of Divorce: A Descriptive Study. *J Rafsanjan Univ Med Sci* 2024; 22 (11): 1133-48. [Farsi]

1- Phd Student in Psychology, Dept. of Psychology and Exceptional Children Education, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2- Assistant Prof., Dept. of Psychology and Exceptional Children Education, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, ORCID: 0000-0003-0221-7089

(Corresponding Author) Tel: (021) 44865159, Fax: (021) 44865166, E-mail: Maryam.Asaseh@gmail.com

3- Assistant Prof., Dept. of Psychology and Exceptional Children Education, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

4- Assistant Prof., Dept. of Psychology and Exceptional Children Education, Ghaenat Branch, Islamic Azad University, Ghaenat, Iran